

نسخه‌های خطی اشراقی: بازشناسی سهروردی و اقبال به وی^۱

نوشته جان والبریج^۲

ترجمه زهرا خاکسار^۳

چکیده

این مقاله به بررسی نسخه‌های خطی مکتب اشراق، به ویژه آثار سهروردی و مفسران اولیه او مانند ابن کمونه، شمس‌الدین شهرزوری و قطب‌الدین شیرازی پرداخته است. نویسنده یعنی جان والبریج، در طول یک دهه تحقیقات خود حدود ۹۰۰ نسخه خطی اشراقی را شناسایی کرده است که شامل آثار سهروردی، تفسیرها و شرح‌های متعدد بر آثار او می‌شود. مقاله به چالش‌های فهرست‌نویسی و دسترسی به این نسخه‌ها اشاره کرده است. اینکه این فهرست‌ها در بیشتر واقع کیفیت پایینی دارند و اینکه آثار کوتاه‌تر سهروردی در این فهرست‌ها وارد نمی‌شوند. همچنین به بررسی نسخه‌های خطی اولیه سهروردی و مفسران او پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه این آثار در طول قرن‌ها تکثیر و تفسیر شده‌اند. نویسنده در ادامه، به نقش مهم شرح و تفسیرهای ابن کمونه، شهرزوری و قطب‌الدین شیرازی در تثبیت و گسترش فلسفه اشراقی سهروردی اشاره می‌کند. والبریج همچنین نسخه‌های خطی رساله‌های رمزی فارسی سهروردی و آثار مرتبط با آنها را بررسی کرده و نشان داده که این آثار به‌رغم شهرت امروزی‌شان، در نسخه‌های خطی قدیمی، کمتر یافت می‌شوند.

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از: «Illuminationist Manuscripts: The Rediscovery of Suhrawardī and its Reception».

Illuminationist Texts and Textual Studies, Essays in Memory of Hossein Ziai, Edited by: Ali Gheissari, John Walbridge and)

(Ahmed Alwishah, Published: Brill, 2018). نسخه اولیه این مقاله در کنفرانسی با موضوع «فلسفه اسلامی در قرن سیزدهم

میلادی» ارائه شد که توسط دانشگاه Y İd r m Beyaz t در آنکارا برگزار گردید و سپس در مجموعه مقالات این کنفرانس

منتشر شد (Murat Demirkol and M. Enes Kala, eds. Uluslararası 13. Yüzyılda Felsefe Sempozyumu Bildirileri, Y İd r m Beyaz t)

Üniversitesi İnsan ve Toplum Bilimleri Fakültesi Yayınları 1. Ankara: Y İd r m Beyaz t Üniversitesi İnsan ve Toplum Bilimleri

۳۷۹. (Fakültesi, 2014. PP. 37۴۹). از سردبیران این مجموعه به جهت اجازه استفاده از این مطالب سپاسگزارم.

۲. (John Walbridge) استاد دانشگاه ایندیانا، آمریکا.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی (zahra.khaksar2742@gmail.com).

در نهایت، نویسنده به اهمیت مجموعه‌های نسخه‌های خطی اشراقی در کتابخانه‌های سلطنتی عثمانی اشاره می‌کند و به برخی نسخه‌ها از جمله راغب پاشا اشاره کرده و اطلاعات مربوط به آن‌ها را در اختیار ما گذاشته است.

کلیدواژه‌ها: حکمت اشراق، نسخه‌های خطی، آثار تمثیلی، مجموعه‌ها

مقدمه

در طول یک دهه گذشته، در حال بررسی ادبیات و نسخه‌های خطی مکتب اشراق - یکی از مکاتب فلسفه اسلامی - بوده‌ام و تاکنون حدود نُهصد نسخه خطی اشراقی را شناسایی کرده‌ام که مشتمل است بر:

۱. آثار نوشته شده توسط شهاب‌الدین یحیی سهروردی (شیخ مقتول یا همان شیخ اشراق) و آثار منسوب به او.

۲. آثار فلسفی سه مفسر متقدم او یعنی ابن کمونه، شمس‌الدین شهرزوری و قطب‌الدین شیرازی

۳. شرح و تعلیقات مبسوط^۱ بر آثار یکی از این نویسندگان، و نوشته‌هایی که به مسائل مطرح شده در این آثار پاسخ می‌دهند.

اصل یا تصویر حدود یک‌سوم از این نسخه‌های خطی را دیده‌ام که بیشتر آنها در کتابخانه‌های ترکیه نگهداری می‌شوند. این تعداد نسخه، بسته به انتساب یا عدم انتساب برخی آثار خاص به حکمت اشراق و هم‌چنین معیارهایی که نشان‌می‌دهد اثری مختص به حکمت اشراق است یا این که جزو تعلیقات مبسوط شمرده می‌شود، می‌تواند تا حدودی افزایش یا کاهش یابد.

اگرچه تقریباً مهم‌ترین مجموعه‌های نسخه‌های خطی اسلامی فهرست‌نامه منتشر کرده‌اند، اما تفاوت کیفی آنها و در برخی موارد نبود فهرست‌بندی بر اساس حروف الفبا، استفاده از فهرست‌ها را دشوار کرده است. مجموعه‌هایی که حاوی نسخه‌های خطی متون کوتاه‌تر است، احتمالاً فهرست‌بندی ضعیفی دارند؛ بنابراین وجود نسخه‌های خطی آثار

کوتاه تر را پنهان می کند. فهرست های نسخه های خطی جدید به ویژه در ایران و در مورد چاپ هایی که یافتن آنها دشوار است، پیوسته منتشر می شود.

با در نظر گرفتن همه اینها، به نظر می رسد تعدادی نزدیک به دوهزار نسخه خطی اشراقی وجود دارد. این نکته موجب اندکی تردید است که:

۱. آیا تقریباً تمام مهم ترین نسخه های خطی برای ما شناخته شده اند؟

۲. به جای این که در کتابخانه های اروپایی باشند، در کتابخانه های ترکیه و ایران یافت

می شوند!

دلیل این موضوعات، کاملاً روشن است. سهروردی و مفسران او در قرن سیزدهم (میلادی) خیلی زود به عنوان نویسندگان مهم شناخته شدند. مناطقی که احتمالاً نسخه های خطی مهم اشراقی در آنها تولید می شده، بیشتر قرن ها زیر سلطه عثمانی بوده و بهترین نسخه های خطی در همه زمینه ها در آن دوران به قسطنطنیه راه یافت. اگر این گونه نبود، این نسخه های خطی احتمالاً به کتابخانه های ایران در زمان صفویه و قاجار - جایی که علاقه به فلسفه از زمان سهروردی همچنان قوی بوده - می رسید. هیچ کدام از کتابخانه های اصلی در کشورهای دیگر - مانند کتابخانه های شمال آفریقا و هند - توسط مجموعه داران و جهانگردان اروپایی بررسی نشده است.

این بدان معنا نیست که اکتشافاتی (در زمینه نسخه های خطی) به ویژه برای آثار کوتاه تر وجود ندارد. فهرست نوشته شده توسط شهرزوری از آثار سهروردی - که حدود یک قرن پس از مرگ سهروردی گردآوری شده است - شامل حدود ۴۹ عنوان است که دست کم ده عنوان از آنها هیچ نسخه خطی شناخته شده ای ندارد، و دست کم به همین تعداد، هویت آنها با نسخه های خطی موجود نامشخص است. از آنجا که از برخی آثار موجود فقط یک یا چند نسخه خطی در دست است، ممکن است آثار جدیدتر در برخی از مجموعه ها یا در کتابخانه مسجد یا مدرسه ای یافت شود که تازه فهرست نویسی شده است.

با توجه به مطالبی که در اختیار داریم، [این پرسش مطرح است که] نسخه های خطی شناخته شده درباره انتقال و استقبال از آثار سهروردی و مفسران اولیه او چه می گویند؟ البته

نکات در این باب بسیار است. بنده در این بخش، با شواهد بسیار محدودی از نسخه‌های خطی تهیه شده توسط خود سهروردی یا تهیه شده از جانب او و نسخه‌های خطی باقی مانده از شش دهه پس از مرگ او آغاز خواهم کرد و سپس به کشف (و تفسیر) مجدد سهروردی خواهم پرداخت که در تفاسیر و آثار مربوط به سه مفسر قرن دوازدهم او - یعنی ابن کمونه، شمس‌الدین شهرزوری و قطب‌الدین شیرازی - ارائه شده است. هم‌چنین به نسخه‌های خطی اولیه‌ای خواهم پرداخت که در بازه زمانی مرگ سهروردی تا سال‌های ۷۳۰ق تولید شده است؛ زیرا این سال‌ها نقش مهمی در تثبیت متون آثار سهروردی داشته است. این دوره هم‌چنین از آن جهت اهمیت دارد که الگویی از نحوه استقبال و اقبال به آثار سهروردی را به دست می‌دهد. سپس به اختصار به نسخه‌های خطی اشراق [در قلمرو] عثمانی و اهمیت آنها می‌پردازم و در نهایت، به سه الگوی نقل اثر، شامل: ۱. تمثیل‌های فارسی و آثار مربوط به آن، ۲. آثار رمزی که کمابیش به سهروردی نسبت داده می‌شوند و ۳. نقش مجموعه‌ها در نقل آثار جزئی می‌پردازم.

شواهدی بر دست‌نوشته‌های سهروردی و نسخه‌های خطی معاصر

شواهد مربوط به کتابت و انتشار اولیه آثار سهروردی بسیار اندک است. نه تراجم مربوط به زندگی‌نامه او و نه آثار خود سهروردی به چگونگی پدید آمدن کتاب‌هایش اشاره نمی‌کنند. با این حال، دو گواهی (قرینه) در میان نسخه‌های خطی وجود دارد که نشان می‌دهند برای تصحیح نزد سهروردی خوانده شده‌اند. این روشی درست برای کتابت یک نسخه خطی صحیح بود. [به این صورت که] شخصی (عمدتاً از میان شاگردان) نسخه‌ای خطی را رونویسی می‌کرد و سپس آن را با صدای بلند برای نویسنده یا کسی که مجوز انتشار متن را داشته می‌خواند و متن را به صورت شفاهی و یا گاه کتبی و درون‌متنی اصلاح می‌کرد.

دانشگاه استانبول^۱ مشخصات نسخه خطی کاملی از کتاب *المشارع والمطارحات*^۲

سهروردی - که خود دایرةالمعارف عظیمی به سبک مشائی است، در وب‌سایت خود قرار

1. Istanbul University AY ۴۳۰۲ (Halis ۶۸۸۱).

2. *al-Mashārī 'wa'l-Muṭārāḥāt*.

داده و تاریخ آن توسط هانری کربن به نیمه اول قرن هشتم هجری نسبت داده شده دوره ای غنی برای تولید نسخه های خطی اشراقی بوده است.

زمانی که آن نسخه را بررسی کردم، برداشت من این بود که گرچه هنوز جزو آثار قدیمی شناخته می شود، اما تا اندازه ای متأخر است. این نسخه با استفاده از نسخه دیگری گردآوری شده که آن نیز به نوبه خود از نسخه ای رونویسی شده که در زمان سهروردی و برای خود او نوشته و خوانده شده است.

از آنجا که این نسخه خطی نه ترقیمه دارد و نه تاریخ، بیشترین نتیجه ای که می توانیم به دست آوریم، این است که بقای نسخه های مربوط به سهروردی دست کم به قرن هشتم هجری بازمی گردد. قطب الدین شیرازی در شرح خود بر حکمة الاشراق گفته است از نسخه ای استفاده کرده که از روی نسخه خوانده شده برای سهروردی نوشته شده است و به نظر می رسد این همان نسخه ای باشد که به عنوان نسخه خطی [اصلی] از آن یاد شده و سهروردی گاه به قرائت های متفاوتی از آن اشاره می کند. این خوانش های مختلف به نوبه خود معمولاً با متن استفاده شده در تفسیر شهرزوری مطابقت دارد.

اما قطب الدین نسخه دیگری را ترجیح می دهد که بیشتر ادبیات پارسی گرایی سهروردی را حذف و لغزش های جزئی قلم را اصلاح می کند. از همین جا من و حسین ضیایی چنین استنباط کردیم که متن اصلی حکمة الاشراق اندکی از عربی معیار منحرف می شود و زبان و ادبیات فارسی و بومی سهروردی را انعکاس می دهد. هم چنین دریافتیم که شخصی قبل از سال های ۶۹۴ق و قبل از این که تفسیر قطب الدین شیرازی نوشته شده باشد، تفسیر بی نقص تری از حکمة الاشراق ارائه کرده است. این شخص می تواند یکی از علمای زیسته در حد فاصل قرون هفتم تا سیزدهم باشد هر چند می تواند خود سهروردی یا یکی از شاگردان او نیز بوده باشد.

تنها مدرک دیگر از نسخه های خطی سهروردی، مربوط به دوران قبل از مرگ او است و با فیلسوفی به نام عبداللطیف بغدادی^۱ ارتباط دارد که در سال ۵۸۵ق به موصل رفت

و در سال بعد - یک سال قبل از مرگ سهروردی - دانشمندی با نام کمال‌الدین بن یونس^۱ نسخه‌های مربوط به کتاب‌های *التلویحات*^۲ (دایرة‌المعارف فلسفی با اندازه متوسط)، *کَمَحَات*^۳ و *معارج*^۴ را به او داده است. عبداللطیف تحت تأثیر قرار نگرفت و این آثار و به‌ویژه *لمحات* را به‌عنوان اقتباس‌هایی نادرست از *اشارات*^۵ ابن‌سینا رد کرد و آنها را حتی از پیش‌نویس‌های پراکنده خود ابن‌سینا نیز پایین‌تر شمرد. عبداللطیف اعتقاد داشت که سهروردی در آن زمان در دیاربکر^۶ بوده است. لانگرم^۷ معتقد است که وجه پیوند بین ابن‌یونس، سهروردی و عبداللطیف علاقه مشترک آنها به کیمیاگری بوده است. در مورد اتهام سرقت ادبی ناروا به سهروردی توسط عبداللطیف نیز باید گفت که به گفته خود سهروردی *کَمَحَات* ارائه دیدگاه مشائیان یعنی ابن‌سینا و پیروانش و در واقع مقدمه‌ای نسبتاً ابتدایی بر فلسفه است. در منابع مربوط به زندگی‌نامه سهروردی آمده است که شاگردان او پس از اعدامش متفرق شدند و نامی از هیچ‌یک باقی نماند. این نکته به احتمال بسیار زیاد دلیل حفظ نشدن نسخه‌های دست‌نویس [آثار] او است.

اولین نسخه‌های خطی بازمانده (بین سال‌های ۵۸۸ق-۶۵۰ق)

تعداد انگشت‌شماری از نسخه‌های خطی از دوران مرگ سهروردی تا کشف مجدد آثار وی توسط ابن‌کُمونه باقی مانده است (که در ادامه بیشتر از آنها استفاده می‌شود). با این حال، نمونه‌هایی به نمایندگی از آثار او مستندسازی شده است. قدیمی‌ترین نسخه خطی شناخته شده از آثار سهروردی، به آدرس «کتابخانه واتیکان، ۸۷۳» نسخه‌ای خطی از کتاب

1. Kamāl al-Dīn ibn Yūnus (1156-1242).

2. Talwihāt.

3. Lamahāt

4. Ma'arj.

5. Ishārāt.

۶. Diyarbakr شهری کردنشین در جنوب شرق ترکیه امروزی.

7. Tzvi Langermann.

لمحات و کامل شده در ۳ صفر ۵۸۸ق است که توسط شخصی به نام ابوبکر محمد بن آبی محمد عبدالله بن مبارک بن حمزه حلبی^۱ در حلب نوشته شده است. بدین ترتیب این نسخه، تنها چند ماه پس از مرگ سهروردی و در همان شهر کتابت شده است. معلوم نیست که این نسخه خطی چگونه به کتابخانه واتیکان راه یافته، اما یادداشت‌های صاحب آن نشان می‌دهد که در سال ۱۰۷۶ق هنوز در جهان اسلام موجود بوده است.



digi.vatlib.it/view/MSS_Vat.ar.873

یکی از محبوب‌ترین آثار سهروردی در دوره متقدم - دست کم بر اساس ارزش گذاری نسخه‌های خطی باقی‌مانده - کتاب *التلویحات* است؛ اثری که در آن سهروردی بی‌تردید دیدگاه‌های خود را از زبان ابن سینا پیش می‌برد. قدیمی‌ترین نسخه خطی باقی‌مانده، نسخه‌ای با نشانی «تهران، مجلس، ۱۱۴»^۲ است که نسخه‌ای از *لمحات* را نیز در خود جای داده است. این اثر در سال ۶۰۷ق در مالاتیایا^۳ - شهری در آناتولی مرکزی تقریباً

1. Abū Bakr Muḥammad b. Abī Muḥammad 'Abd Allāh b. Mubārak b. Ḥamza alḤalabī.

2. Tehran Majlis 114.

3. Malatya.

بین دیاربکر و حلب - منطقه‌ای که سهروردی در آن می‌زیسته، نسخه‌برداری شده است. این نسخه خطی نه‌چندان چشم‌گیر، با قلمی غیرحرفه‌ای در یک دفترچه جیبی به ابعاد ۹×۱۴ سانتی‌متری نوشته شده است.

نسخه دوم از قدیمی‌ترین نسخه‌ها، با نشانی «مانیا، ۲۲۱۶» است که توسط احمد بن عبدالغفور بن الخطیب الزرانی^۱ برای استفاده شخصی در سال ۶۱۶ق و در مکانی نامشخص کتابت شده است. این اثر به دلیل سرشار بودن از نکات و اعراب‌گذاری بخشی از آن با زیر و زبر، نمونه‌ای از یک دست‌نوشته کامل است.

سومین نسخه خطی متقدم سهروردی به آدرس «سِرز، ۱۹۶۷» است که توسط غزالی بن عمر بن غزالی القصابی التفلیسی^۲ در سال ۶۲۶ق در سیواس - یکی دیگر از شهرهای مرکزی آناتولی - نسخه‌برداری شده که این نیز به نوبه خود نسخه‌ای کامل و نیکو است.

نسخه خطی دیگری از حکمه / لاشرافی متعلق به دوره قونیه به آدرس «یوسف آقا، ۵۵۴۴» به تاریخ ۶۴۰ق است. من این نسخه را ندیده‌ام، بنابراین نمی‌توانم اظهار نظر بیشتری درباره آن داشته باشم.

آخرین نسخه از نسخه‌های خطی پیش از زمان ابن کمّونه، به آدرس (لیدن، ۲۵۴۱) است.^۳ این نسخه خلاصه‌ای است که در نسخه خطی کوچکی آمده و در عوض، شامل دو متن در باب نجوم است و توسط احمد بن عبدالله بن احمد شیرازی^۴ کتابت شده و تاریخ نخستین متن آن به سال ۶۴۶ق باز می‌گردد.

درباره نسخه‌های خطی سهروردی در این دوره سخن‌چندانی برای گفتن نیست. [اولاً] قدیمی‌ترین نسخه خطی احتمالاً متعلق به یکی از شاگردان زیرک سهروردی است. به‌رحال این نسخه چند ماه پس از مرگ سهروردی در حلب کتابت شده است. ثانیاً

1. Aḥmad b. 'Abd al-Ghafūr b. al-Khaṭīb al-Zaranī.

2. Ghazālī b. 'Umar b. Ghazālī al-Qaṣabī al-Tiflīsī.

3. Leiden, Or. 2541/2 (Ar. 1899, Lb. 170), ff. 27-31.

4. Aḥmad b. 'Abd Allāh b. Aḥmad al-Shīrāzī.

هیچ یک از نسخه های خطی به نظر «عمومی» نیستند؛ به این معنا که به نظر نمی رسد رسماً برای مسجد، مدرسه یا کتابخانه های سلطنتی سفارش داده شده باشند. [ثالثاً] در نهایت، همه نسخه های خطی که محل نسخه برداری آنها را می دانیم، مربوط به آناتولی مرکزی یا حلب هستند؛ مناطقی که می دانیم سهروردی بدان ها سفر کرده است. دو مورد از نسخه ها که محل نسخه برداری آنها را نمی دانیم، در کتابخانه های آناتولی است که می توان نهایتاً آنها را به عنوان قرینه هایی در نظر گرفت، نه مدرکی مبنی بر این که آن منطقه منشأ پدید آمدن آنها بوده است.

از اینجا می توان با احتیاط چنین برداشت کرد که سهروردی در نیم قرن پس از مرگ خود، بیشتر در این منطقه شناخته شده بود. با توجه به این که بیشتر سفرهای او پس از دوران دانش آموختگی اش در همین منطقه بوده و این که پراکندگی شاگردان او بیشتر به این ناحیه بازمی گردد، چنین استنباطی منطقی است.

عصر زندگانی ابن کمونه

همان طور که لانگمن اشاره کرده است، در حدود اواسط قرن هفتم تا هشتم قمری یک چشم پزشک یهودی بغدادی به نام ابن کمونه (۶۵۰-۷۱۱ق) از حلب دیدن کرد. تاریخ و شرایط این سفر به طور قطع مشخص نیست، اما به نظر می رسد وی در این سفر با آثار سهروردی آشنا شده باشد. ابن کمونه در سال ۶۶۷ق شرحی از کتاب *تلویحات* را به پایان رساند که در آن پیوسته به کتاب *المشارع والمطارحات* و به میزان کمتری به *حکمة الاشراق* استناد می کند و نشان می دهد او نسخه هایی از این دو اثر را در اختیار داشته است. این اثر در تفاسیر بسیاری بر کتاب های *تلویحات* و *حکمة الاشراق* که تقریباً چیزی از آنها در دست نیست مطرح شد و بعدها توسط شمس الدین شهرزوری (م ۶۸۷ق) مورد استفاده قرار گرفت. سومین و آخرین شخصیت کلیدی این دوره، قطب الدین شیرازی (م ۷۱۱ق) دانشمند بزرگی است که مشهورترین شرح بر *حکمة الاشراق* و هم چنین یک دایرة المعارف فلسفی فارسی نوشته است که عمدتاً ترجمه ای از اثر مشابه آن به زبان عربی به قلم ابن کمونه است.

با توجه به این نکات، سرگذشت نسخه‌های خطی سهروردی صرفاً شامل گزارشی مجزا از نسخه‌های خطی منفرد نیست، بلکه مبدل به سرگذشت چگونگی استقبال از این نسخه‌ها می‌شود. بدین سبب تنها در مورد الگوهای آنها اظهار نظر خواهم کرد و صرفاً به ذکر چند نسخه خطی شاخص و مهم خواهم پرداخت.

[باید توجه داشت که] نسخه‌های خطی سهروردی در این دوره افزایش می‌یابند و برای نخستین بار شاهد نسخه‌هایی از آثاری هستیم که در پاسخ به نوشته‌های او تألیف شده‌اند. سه نسخه خطی تاریخ‌نگاری شده از کتاب *المشارع والمطارحات* از این دوره، هم‌چنین یک نسخه از *تلویحات*، پنج نسخه از *حکمة الاشراق*، یک نسخه از *لمحات*، چهار نسخه از *هیاکل النور* و یک نسخه از *المقاومات* وجود دارد. علاوه بر این، یازده نسخه خطی تاریخ‌دار از شرح ابن کموّنه بر *تلویحات*، دو (یا شاید سه نسخه) از شرح و تفسیر شهرزوری بر همین اثر، یک شرح از او بر *حکمة الاشراق* و چهار نسخه از شرح و تفسیر قطب‌الدین شیرازی بر همین اثر وجود دارد.

به مرور و تدریجاً خواندن آثار کلیدی سهروردی از طریق تفاسیر - به‌ویژه تفسیر ابن کموّنه بر *تلویحات* و تفسیر قطب‌الدین شیرازی بر *حکمة الاشراق* - مورد اقبال قرار گرفت؛ به‌طوری که نسخه‌های خطی این تفاسیر بیشتر از نسخه‌های خطی خود این آثار موجود هستند. تأثیر این امر به‌ویژه در مورد تفسیر قطب‌الدین شیرازی بر *حکمة الاشراق* قابل توجه است؛ جایی که مابعدالطبیعه اشراقی خیره‌کننده سهروردی به زبان مشائی - سینایی ترجمه شده و با تقریر مابعدالطبیعه سهروردی به‌عنوان نقد فلسفه سینایی، الگویی را برای پس از خود ایجاد می‌کند و مابعدالطبیعه مبتنی بر نور او به‌جای مکتبی فلسفی، عمدتاً به‌عنوان تصویری ذوقی [و عرفانی] جلوه می‌کند. در این زمینه شایسته است به طور ویژه به تعدادی از نسخه‌های خطی یا گروهی از نسخه‌های خطی متعلق به هر یک از این سه نویسنده اشاره شود:

۱. سعدالدوله ابن کمّونه

[به نظر می‌رسد] ابن کمّونه شخصیتی قابل توجه بوده است؛ فردی یهودی که در مباحث فلسفی و کلامی اسلامی شرکت می‌کرده و در نظر یهودیان و مسلمانان به‌طور یکسان اهمیت داشته است. او فیلسوفی با توانایی چشم‌گیری بوده که اثری گیرا و کاملاً منصفانه‌ای در مقایسه میان ادیان یهودی، مسیحی و اسلام پدید آورد. [در واقع] این تلاقی فرهنگ‌ها با اشغال ایران و عراق توسط مغول‌ها امکان‌پذیر شد. ایلخانان اولیه عمدتاً علاقه‌ای به وابستگی‌های فرقه‌ای رعایای خود نداشتند و به نظر می‌رسد او خود به یکی از مقامات ارشد دولت وقت به‌نام شمس‌الدین جوینی^۱ (م ۶۸۳ق) وابسته بوده است. در مورد این که آیا ابن کمّونه هرگز به اسلام گرویده یا خیر، از ابتدا اختلاف نظر وجود داشته است.

اشمیتکه^۲ و پورجوادی با برآیند به‌دست آمده از چکیده مدارک و شواهد نتیجه می‌گیرند که او مسلمان نشده است. نسخه‌ای خطی به آدرس «کوپرولو فاضل احمد پاشا، ۱۶۱۲»، اطلاعات اندکی در این باب ارائه می‌کند؛ به این صورت که نویسنده نسخه خطی، بعد از نام بردن از ابن کمّونه نویسنده کتاب *الجدید*^۳ می‌نویسد:

ممکن است اراده خدا بر مورد رحمت قرار دادن ایشان تعلق گیرد. هم‌چنین خواننده‌ای ناشناس در کنار نام بردن از او می‌نویسد: خداوند از عذاب ایشان کم کند. یکی دیگر از خوانندگان در پاسخ به عواطف این نویسندگان می‌نویسد: این کمّونه یهودی بود؛ پس دعای رحمت و مغفرت برای او نامناسب است. خواننده دیگری نوشت: خیر، او قبل از مرگ مسلمان شد و کتاب *فحاح/الیهود* را نوشت و در آن اشتباهات یهودیان را توضیح داد و نظرات آنها و هم‌چنین تکبر آنها در برابر حقیقت را تقبیح کرد و دروغی را که به خدا و پیامبرانش بستند را محکوم کرد. خداوند او را جزای خیر دهد.

1. Shams al-Dīn al-Juwaynī.

2. Sabine Schmidtke.

3. *al-Jadīd*.

از آنجا که اثرباشده در واقع توسط یهودی متقدم دیگری نوشته شده بود که به اسلام گرویده بود، خواننده سوم احتمالاً به اشتباه افتاده است. در هر صورت این نکته دارای ارزش است که بیشتر نسخه‌های خطی آثار او را که مشاهده کرده‌ام، حاوی صلوات بر محمد (ص) است؛ اگرچه در مورد نسخه «علی‌پاشا، ۱۷۴۰» که در زمان حیات او رونوشت شده، کاتب متأخر مجبور شده است تا آن را اضافه کند. کتابخانه ملی روسیه در سن پترزبورگ حاوی قطعاتی از نوشتارهای یهودی-عربی (عربی که با حروف عبری نوشته شده) از دست کم پنج اثر ابن کمونه به شرح زیر است:

شرح تلویحات، رساله تفاوت میان ربانیان و قرائیان، رساله فی الکلام (مقالات الهیات)، تنقیح الابحاث که رساله او در مطالعات تطبیقی ادیان است و المطالب المهمة من علم الحکمة (مسائل مهم در علم فلسفه).

اینها بخشی از مجموعه بسیار بزرگ دست‌نوشته‌های یهودی خاورمیانه است که در اوایل دهه ۱۸۶۰م توسط آبراهام فیرکویچ^۱ (۱۷۸۶-۱۸۷۴م)، پژوهشگر کارائیتی^۲ گردآوری شد و به احتمال زیاد از انباری در قاهره بدست آمده است که برخی متون عبری در آن نگه‌داری می‌شده است. مجموعه فیرکویچ همچنین شامل قطعاتی از دو اثر سهروردی (تلویحات و هیاکل النور) است که نشان می‌دهد آثار سهروردی توسط یهودیان علاقه‌مند به فلسفه خوانده می‌شده است. در این باره باید گفت که دانشگاه کمبریج دارای قطعه‌ای از لمحات سهروردی است که احتمالاً از مشهورترین بایگانی متون مقدس یهودیان در پرستشگاه «بن‌عزرا» در قاهره بدست آمده است.

1. Avraham Firkovic.

۲. شمس الدین شهرزوری

شمس الدین شهرزوری^۱ (زنده به سال ۶۸۷ق) شخصیتی است کاملاً ناشناخته. تا آن جا که من می دانم، هیچ مدخلی درباره او در هیچ تراجمی مربوط به زندگی نامه مشاهیر وجود ندارد. این مطلب با توجه به این که کتاب های او نسبتاً شناخته شده، واقعیتی عجیب است. گفته می شود که دایرة المعارف فلسفی او که شجرة /الالهية نام دارد، در سال ۶۸۰ق یا شاید دو سال قبل از آن - بسته به این که کدام یک از صحافی های این کتاب مبنا قرار گیرد- نوشته شده است. دو نسخه خطی از شهرزوری قابل ذکر است:

۱. نسخه خطی به آدرس «کوپرولو فاضل احمد پاشا، ۸۸۰» شرح شهرزوری بر کتاب *التلویحات* سهروردی است. بر مبنای یادداشتی در قسمت (a۱) کل متن اصلی در اختیار کاتب نسخه بوده است؛ هم چنین طبق نظر افرادی چون هلموت ریتز^۲ این نسخه به طرزی ناخوشایند و سلیقه ای نوشته شده است.

این اثر در واقع نسخه ای ناموزون و ناقص است که مطمئناً کار یک کاتب حرفه ای نیست، اما با وجود عدم ظرافت اثر، با تمرین و ممارست، خوانا می شود. از آن جا که آخرین برگه این نسخه مفقود شده است، هیچ نشانی برای تأیید انتساب این نسخه به شهرزوری وجود ندارد. بنابراین در غیاب نسخه ای دیگر از دست خط شهرزوری، احتمال می رود [انتساب آن به خود شهرزوری] فقط ترفندی از سوی یک کتاب فروش غیر حرفه ای بوده است.

۲. نسخه خطی با مشخصات «ولید الدین، ۲۰۵۰» دست نویسی کامل از شجرة الهية شهرزوری است که اکنون در «کتابخانه بایزید» ترکیه با مشخصات زیر نگهداری می شود:

عبدالله بن عبدالعزيز بن موسى الاسرائیلی از بیت الحداد، محتاج به خداوند متعال، کتابت آن را برای استفاده خود از نسخه ای که در دست مؤلف بود، تکمیل کرد.
مؤلف شیخ نامدار و فیلسوف الهی، شمس الدین محمد بن محمد شهرزوری، فردی

1. Shams al-Dīn al-Shahrazūrī.

2. Hellmut Ritter.

اعجوبه و بسیار خبره در نوشتن آثار است که خداوند بر عمر و زندگانی‌اش برکت دهد. یک‌شنبه جمادی‌الاول ۶۸۷ق در شهر سیواس. حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر انسان کامل و به ویژه امیر انبیا و رسولان.

پرسش جالب توجه این است که چگونه یک کاتب یهودی (کسی که با دقت تمام از نام بردن از امیر انبیا و رُسل خودداری می‌کند) در چنین تقدم تاریخی، یک نسخه خطی از الشجرة را در سیواس به دست آورده است. احتمال دیگر مربوط به قطب‌الدین شیرازی است که چندین سال (احتمالاً در نیمه آخر دهه ۶۷۰ق) در سیواس زندگانی و کار کرده و احتمالاً تا سال ۶۸۴ق زنده بوده است. در باب این نسخه خطی ذکر چند نکته مهم لازم است:

- نخست اینکه نسخه یادشده بسیار متقدم است؛ چه از نظر تاریخی و چه از نظر سفارش برای رونوشت؛

- دوم اینکه نسخه نشان دهنده این نکته مهم است که شهرزوری در تاریخ ۶۸۷ق هنوز زنده بوده و یا دست کم خبر مرگ او در آن زمان به سیواس نرسیده است؛
- سوم اینکه نسخه مورد نظر نمونه جالبی از فراز و نشیب‌هایی است که نسخه‌نویسان و ویراستاران نسخه‌های خطی با آن مواجه بوده‌اند.

حداقل چهار نسخه خطی استانبولی/الشجرة از این نسخه یا از نسخه‌ای که بی‌واسطه از آن رونوشت شده، نسخه‌برداری شده است. در اینجا تاریخ این نسخه‌ها را تا آنجا که بتوان بازسازی کرد، به شرح زیر بیان می‌کنیم:

۱. شهرزوری احتمالاً نسخه‌ای از کتاب الشجرة را در سال ۶۸۰ق یا اندکی پس از آن تهیه کرده که احتمالاً هم‌اکنون مفقود شده است.

۲. این نسخه خطی توسط عبدالله اسرائیلی در سیواس در سال ۶۸۷ق کتابت شده و به نسخه «ولیدالدین، ۲۰۵۰» منتهی شده است.

۳. «کاروللا، ۱۰۲۰» از نسخه خطی قبلی (ولیدالدین، ۲۰۵۰) در سال ۷۱۳ق کتابت شده است.

۴. در حدود سال ۱۰۰۸ق، علی افندی تیرناوی نسخه‌ای دیگر که احتمالاً هم‌اکنون مفقود است، از نسخه خطی عبدالله اسرائیلی تهیه کرده است.
۵. کتابدار عثمانی ولید الدین کاروللا^۱ (م ۱۱۳۱ق) نسخه‌ای جدید از الشجرة را از یک نسخه خطی ناشناخته، اما آسیب‌دیده در سال ۱۱۲۴ق تهیه و نسخه «کاروللا، ۱۰۲۱» را تولید کرده است.
۶. در سال ۱۱۲۷ق نسخه‌ای دیگر از نسخه خطی عبدالله اسرائیلی برای وزیر علی پاشا تهیه شده و این نسخه همان نسخه «احمد ثالث، ۳۲۷۷.۲۶» است.
۷. کاروللا در سال ۱۱۴۹ق یعنی آن زمان که نسخه خطی اصلی عبدالله اسرائیلی را که اکنون «ولیدالدین، ۲۰۵۰» است، به دست آورد، در کتابخانه کاروللا جایگاه و موقعیت ویژه‌ای پیدا کرد.
۸. در قرن دوازدهم هجری قمری، شخصی به نام اسماعیل (معروف به «ابن مطهره») نسخه‌ای دیگر از نسخه خطی عبدالله اسرائیلی تهیه کرد و نسخه «راغب، ۸۴۳.۹» را فراهم ساخت. در سال ۱۲۱۸ق درویش مصطفی نسخه‌ای از نسخه خطی تیرناوی را که آن هم از نسخه خطی عبدالله اسرائیلی تهیه شده بود، کتابت کرد و ظاهراً از وجود نسخه خطی اسرائیلی بی‌خبر بوده و بدین ترتیب نسخه «اسعد افندی، ۱۹۲۶» را ایجاد کرد.
۹. در سال ۱۲۱۸ق درویش مصطفی نسخه‌ای از یک دست‌نوشته را استنساخ کرده که در اصل یک رونوشت از نسخه اصلی عبدالله اسرائیلی بوده و توسط تیرناوی تهیه شده بود. نکته قابل توجه این است که ظاهراً درویش مصطفی از وجود نسخه اصلی اسرائیلی آگاه نبوده و بدین ترتیب، دست‌نوشته‌ای پدید آمد که اکنون با نام «اسد افندی، ۱۹۲۶» شناخته می‌شود.

۱۰. در سال ۱۲۴۱ق شخصی دیگر نسخه‌ای از نسخه خطی تیرناوی تهیه کرده است که اکنون به نام «بایزید، ۳۹۴۹» شناخته می‌شود.

۱۱. در دهه نخست قرن بیست و یکم، دو نسخه از الشجرة عرضه شد: یکی توسط م. نجیب گرگون که ابتدا به صورت یک پایان‌نامه دکتری در ترکیه تهیه شده بود؛ دومی توسط نجفقلی حبیبی در «مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران» منتشر شده است. هیچ‌کدام از این دو نفر، از نسخه خطی اصلی عبدالله اسرائیلی آگاه نبودند. گرگون از نسخه «احمد ثالث، ۳۲۷۷» استفاده کرده است. در حالی که احتمالاً از طریق فهرست بسیار خوب نسخه‌های خطی کتابخانه توپقاپی از ارتباط غیرمستقیم این نسخه با یک نسخه خطی دیگر آگاه شده است، سپس آن را با دو نسخه قرن دوازدهم مقایسه کرده است؛ اگرچه نسخه‌های خطی قرن هشتم در مجموعه‌های فهرست‌بندی شده، از جمله توپقاپی - در دسترس بوده است. نجفقلی حبیبی از نسخه گرگون به همراه سه نسخه خطی نسبتاً جدید (یک ایرانی و دو اروپایی) استفاده کرده است.

بدین ترتیب، نتیجه قابل دریافت از این ماجرای پیچیده چیست؟ به ندرت تا این حد از روابط متقابل نسخه‌های خطی اطلاع داریم (اگرچه من فقط هشت مورد از ۳۴ نسخه خطی را که می‌شناسم، بررسی کرده‌ام).
اولاً: شواهد آشکاری وجود دارد که نشان می‌دهد سن نسب‌شناختی یک نسخه خطی ممکن است بسیار متفاوت از سن تاریخی آن باشد. برای نمونه: یک نسخه خطی از قرن دوازدهم وجود دارد که تنها با یک واسطه از کاتب اصلی رونوشت شده و دو نسخه خطی از قرن سیزدهم موجود است که با دو واسطه به کاتب بازمی‌گردد. این احتمال وجود دارد که بسیاری از نسخه‌های خطی قدیمی‌تر ممکن است نسب‌شناسی چندان مشخصی نداشته باشند.

ثانیاً: نسب‌شناسی نسخه‌های خطی (حتی نسخه‌های بسیار خوب) نیز می‌تواند به طرز تأسف باری بی‌حساب و کتاب نوشته شده باشد. هیچ‌یک از مصححان از اهمیت نسخه

«ولید الدین، ۲۰۵۰» آگاه نبودند؛ اگرچه وجود نسخه‌های ترکی قرن دوازدهم که در فاصله‌های چند قدمی از هم در شهر قدیمی استانبول قرار دارند و همه آنها تا سال ۱۹۹۰م دارای کارت شناسایی با دقتی معقولی بودند، این احتمال را به وجود می‌آورد که این نسخه در یکی از مجموعه‌های قدیمی عثمانی باقی مانده باشد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از مصححان بررسی منظمی از نسخه‌های خطی دیگر انجام نداده‌اند که برای نمونه روشن شود آیا آنها مستقل از نسخه عبدالله اسرائیلی‌اند یا خیر؟

۳. قطب‌الدین شیرازی

قطب‌الدین شیرازی (۶۳۳-۷۱۰ق)^۱ در اواخر عمر، در دوره‌ای که پیوسته مورد اقبال دربار ایلخانی و وزیر آن رشیدالدین فضل‌الله همدانی^۲ (۶۴۸-۷۱۸ق) قرار می‌گرفت، دایرةالمعارفی از علوم را به زبان فارسی تنظیم کرد و آن را *درة التاج لغرة الدباج* نام نهاد. او این عنوان را از لقب امیر دوباج (حاکمی در غرب گیلان در کرانه جنوب غربی دریای خزر) و احتمالاً به امید دریافت دستمزد برگزیده است. این یک اثر عظیم است که اگر به‌طور کامل منتشر می‌شد، حجم آن حدود ۲۵۰۰ صفحه می‌شد. نیمه اول اثر در مورد فلسفه و ریاضیات است. بخش فلسفی نیمه اول تا حد زیادی ترجمه مهم‌ترین اثر فلسفی مستقل ابن کمونه، یعنی *الکاشف*^۳ است که با نام *الجديد فى الحكمة* شناخته می‌شود. نیمه دیگر که «خاتمه» نامیده می‌شود، به ریاضیات، فلسفه عملی (اخلاق، اقتصاد و سیاست)، کلام، فقه و عرفان می‌پردازد.

مطالب بیان شده در این کتاب، بیشتر ترجمه‌ها و اقتباس‌هایی از منابع متعدد دیگر است.^۴ دست کم پنج نسخه از این اثر از زمان حیات قطب‌الدین باقی مانده است و به نظر

1. Qutb al-Dīn al-Shīrāzī.

2. Rashīd al-Dīn Faḡlullāh Hamadānī.

3. *al-Kāshif*.

۴. جهت مطالعه بیشتر نک: «درة التاج قطب‌الدین شیرازی و منابع آن»، رضا پورجوادی و زاینه اشمتیکه، ترجمه: سعید انواری و مریم مهدوی مزده، آینه پژوهش، شماره ۱۹۱، سال سی و دوم، شماره ۵، آذر و دی ماه ۱۴۰۰ (م).

می‌رسد از این تعداد، حداقل سه نسخه توسط خود قطب‌الدین برای تقدیم به حامیان سلطنتی خود در سال ۷۰۵ق تهیه شده باشد. برای نوشتن آن، کاتبان حرفه‌ای به کار گرفته شدند و صفحات عنوان با آرایه‌هایی زیبا، ترقیمه نویسنده را با این عبارت دربردارد:

نویسنده این اثر را یاد کنید، کسی که زبان او قاصر از گفتن سخن درخور است و مخلوقی بس نیازمند است در میان مخلوقات دیگر پروردگار با نام محمود ابن مسعود ابن مصلح شیرازی که خداوند عاقبت او را خیر گرداند.

نکته جالب این است که نام حامی سلطنتی در کادر مربوط به عنوان و معرفی دو نسخه خطی به آدرس «فاضل احمدپاشا، ۸۶۷» و «داماد ابراهیم پاشا، ۸۱۶» تراشیده شده و چیزی جایگزین آن نشده است. این مطلب باعث شگفتی است که چه اتفاقی افتاده است؟! آیا حامی موردنظر، از پرداخت هدیه کوتاهی کرده یا از پذیرش آن سر باز زده است؟ از آنجا که امارت دوباج^۱ توسط مغول‌ها در سال ۷۰۶ق ساقط شد، احتمالاً قطب‌الدین با داشتن سه یا چهار نسخه خطی بسیار گران‌قیمت، با تقدیمی تملق‌آمیز به امیر دوباج مخلوع به تردید افتاده بود. کتاب‌های مربوط به تراجم بزرگان، مشکلات مالی او را در اواخر عمرش ثبت کرده‌اند؛ زیرا او هنوز برای تفسیر گسترده خود بر قانون، کتاب طبی ابن سینا پول نگرفته بود و حتی آمده است که یکی از شاگردان، هزینه مراسم خاک‌سپاری او را پرداخته است.

«راغب پاشا، ۱۴۸۰»، قدیمی‌ترین مجموعه جامع آثار سهروردی

نسخه‌های خطی سهروردی و شارحان او در قرن هشتم و چهاردهم متداول بود؛ اما یکی از دو نسخه خطی مهم آثار سهروردی به آدرس «راغب پاشا، ۱۴۸۰» مربوط است. راغب پاشا^۲ (۱۱۱۰-۱۱۷۶ق) یک دولتمرد و نویسنده برجسته عثمانی بود که کتابخانه‌ای عالی با بیش از هزار نسخه خطی از خود برجای گذاشت. این نسخه خطی خاص، قدیمی‌ترین مجموعه جامع آثار سهروردی است که برجای مانده است، بنابراین، شواهد مهمی برای صحت آثار

1. Dubaj.

2. Ragıp Paşa.

کمتر شناخته شده ارائه می‌دهد. این نسخه توسط فردی به نام بدرالدین النساوی^۱ - که نتوانستم اطلاعاتی از او بیابم - در مدارس نظامیه و مستنصریه بغداد بین سال‌های ۷۳۲ق تا ۷۳۴ق کتابت شده و شامل هجده اثر، از جمله حکمة الاشراق، چهار اثر عمده مشائی و چندین اثر فرعی است که دو مورد از آن آثار به زبان فارسی و چند مورد از آنها به زبان رمزی نوشته شده‌اند.

نسخه یادشده با دست‌خطی بسیار بد، با اصلاحات و اعراب‌گذاری مختلف واژگان به همراه شرح در حاشیه نوشته شده است. هانری کربن که از آن نسخه در برخی از تصحیح‌های خود استفاده کرده است، اعتراف می‌کند که برای خواندن آن باید از نسخه خطی دیگری استفاده کرد. چگونگی پیدایش این نسخه خطی در کتابخانه راغب پاشا مشخص نیست، اما به احتمال زیاد نسخه‌های «احمد ثالث، ۳۲۱۷» و احتمالاً «احمد ثالث، ۳۳۷۷» در سال ۸۶۵ق از روی آن استنساخ شده‌اند که نشان می‌دهد از زمان سلطان محمد دوم^۲ در قسطنطنیه موجود بوده است. این نسخه خطی کاملاً شایسته چاپ عکسی (فاکسیمیل) است.

نقل ادبیات تمثیلی فارسی و آثار وابسته به آن

علی‌رغم شهرت امروزی تمثیل‌های فارسی سهروردی، شواهد دست‌نویس آنها به‌طور شگفت‌انگیزی ناچیز هستند. در واقع باید بین تمثیل‌های کوتاه فارسی، تمثیل‌های عربی و آثار طولانی‌تر فارسی تمایز نهاد. تمثیل‌های فارسی کوتاه‌تر، تنها تعداد انگشت‌شماری نسخه خطی دارند. دو مورد از آنها با عنوان رساله الطیر که در واقع ترجمه اثری عربی از ابن سینا است و فی حالة الطفولية هر کدام فقط دو نسخه خطی شناخته شده دارند. سه اثر دیگر با نام‌های عقل سرخ، روزی با جماعت صوفیان و آواز پر جبرائیل چند نسخه بیشتر دارند، اما به‌طور گسترده منتشر نشدند. تمثیل‌های عربی شامل الغریة الغربیة و رساله الأبراج

1. Badr al-Din al-Nasawi.

2. Mehmed II.

(احتمالاً بیشتر با نام *الکلمات الذوقیة* شناخته می‌شود و انتساب آن به سهروردی نامشخص است)، هر کدام شانزده نسخه خطی دارند و *اعتقاد الحکماء* که ممکن است در همین دسته قرار گیرد، ده نسخه دارد.

علاوه بر این، تمثیل‌های نام‌برده عمدتاً نه در نسخه‌های خطی مشابه و نه حتی در نسخه‌های خطی حاوی متون دیگر سهروردی قرار دارند. بنابراین به دسته‌ای از آن‌چه می‌توانیم «کتاب‌های کوتاه جالب» بنامیم تعلق دارند که در مجموعه‌ها منتشر می‌شوند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که متون فارسی طولانی‌تر در طول قرن‌های متمادی به‌طور گسترده منتشر شده‌اند. از جمله این متون می‌توان به *بستان القلوب*، *پرتونامه*، *مونس العشاق* و *صفیر سیمرخ* اشاره کرد که آخرین مورد از این نظر، مبهم است. این آثار به موضوعات صوفیانه و فلسفی پرداخته‌اند و هم‌چنین دست‌کم تاریخ‌گذاری یکی از آنها به نام *بستان القلوب* در دوران تحصیل سهروردی است.

دو نسخه خطی ارزشمند برای پرداختن مستقل به آنها

نسخه اول به آدرس «ملی، ۲۴۱۲» نسخه کوچکی است که توسط محمد بن علی دامغانی جاجرمی^۱ در میان سال‌های ۶۵۴ق-۶۵۹ق کتابت شده و مشتمل بر ۲۲ متن است که متون نهم تا یازدهم آن از سهروردی است. البته این شمارش در صورتی صحیح است که برخی از متون قابل بحث آن به‌عنوان متن معتبر پذیرفته شوند. این نسخه، قدیمی‌ترین و یکی از معدود منابع برای تمثیل‌های فارسی است. هم‌چنین منبع اصلی بیشتر نسخه‌های چاپی آثار فارسی سهروردی سید حسین نصر است.

نسخه دوم به آدرس «مجلس، ۱۴۵۹۰» معروف به «سفینه تبریز» مجموعه‌ای عظیم است که در سال ۷۲۰ق-۷۳۶ق توسط ابوالمجد محمد بن مسعود بن مظفر تبریزی^۲ کتابت شده است. این مجموعه دربردارنده بیش از دویست اثر و رساله مختلف است که تقریباً تمامی

1. Muḥammad b. 'Alī al-Dāmghānī Jājarmī.

2. Abū'l-Majd Muḥammad b. Mas'ūd b. Muẓaffar Tabrīzī.

آثار سهروردی موجود در مجموعه پیشین (به استثنای دو اثر از تمثیل‌های کوتاه فارسی) را در بر می‌گیرد.

در این مرحله برخی گمانه‌زنی‌ها خودنمایی می‌کنند؛ از جمله این که به‌طور کلی آثار فارسی سهروردی در یک نسخه خطی در کنار آثار عربی او دیده نمی‌شوند. این مطلب ابداً شگفت‌آور نیست و این امر را می‌رساند که آثار فارسی به مضامین عرفانی می‌پردازد؛ درحالی که آثار عربی کمابیش با مسائل فلسفی مرتبط هستند. با این حال، سهروردی در مقدمه حکمة الاشراق اشاره می‌کند که در جوانی، رساله‌های خاصی نوشته است. یکی از این آثار که می‌توان آن را به احتمال قریب به یقین شناسایی کرد، *بستان القلوب* است که در اصفهان نوشته شده و زمان آن احتمالاً به آخرین دوره تحصیل او و پس از تحصیلات اولیه در شمال غرب ایران بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد که برخی یا همه رساله‌های دیگر باقی‌مانده، مربوط به این دوره باشند. به همین ترتیب، *اعتقاد الحکماء* گرچه به زبان عربی است، هیچ نشانه‌ای از آموزه‌های مشخص دوره پسینی سهروردی یعنی دوره اشراقی او را دربرنمی‌گیرد.

پس ممکن است نادر بودن [نسخه‌های] تمثیل‌های ایرانی، به این دلیل باشد که در ایران مرکزی تولید شده و فقط در همان منطقه در گردش بوده‌اند. نسخه «ملی»، ۲۴۱۲ کهن‌ترین نسخه خطی این تمثیل‌هاست که توسط یک خراسانی، همزمان با کتابت سفینه تبریز نوشته شده است. با توجه به سبک زندگی مرموز سهروردی، بسیار محتمل است که او مجموعه کامل آثار جوانی خود را همراه نداشته است تا این آثار بتوانند به نسخه‌های خطی تأثیرگذاری مانند «راغب‌پاشا، ۱۴۸۰» راه پیدا کنند.

انتقال نسخه‌های خطی آثار مفقود، معتبر و مجعول

من قبلاً مقاله‌ای در مورد انتقال آثار مفقود سهروردی منتشر کرده‌ام؛ بنابراین فقط به‌طور مختصر به این آثار اشاره می‌کنم. [در این زمینه] دو منبع عمده وجود دارد: راغب‌پاشا شامل تعدادی از این متون است که حاوی توسل و دعا به نفوس فلکی‌اند. دومین مجموعه از این دست که در سال ۱۲۵۴ق در کاشان نسخه‌برداری شده، در «ایاصوفیه، ۲۱۴۴» یافت

می‌شود. شاید چشم‌گیرترین واقعیت در مورد این متون، این باشد که نسخه‌های سلطنتی عثمانی از مطالب موجود در هر دو نسخه خطی تهیه شده است. در نهایت، متون پراکنده‌ای در نسخه‌های خطی دیگر یافت می‌شود. به این تعداد می‌توان «اربعون اسماء» را افزود؛ که منسوب به حضرت ادریس است و دارای متن‌هایی متفاوت و نیایشی است و در آن به چهل نام مختلف خداوند متوسل می‌شود. این متن غالباً به سهروردی نسبت داده می‌شود؛ اما ادعای بهتر این است که صاحب این نوشته شهاب‌الدین عمر سهروردی^۱ (۵۴۲-۶۳۲ق) نویسنده معروف عوارف/المعارف است.^۲

مجموعه‌ها و نسخه‌های خطی اشراقی ایرانی

بسیار اندک به مسأله کاربرد مجموعه‌ها پرداخته‌ام. مجموعه‌ها رساله‌های گردآوری شده‌ای هستند که در کتابخانه‌های خطی اسلامی بسیار رایج هستند. آنها به‌طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند. از طرفی مجموعه‌ها گلچین‌هایی (در مواردی کتابخانه‌ای) از متون، معمولاً در موضوعات مختلف هستند. در بسیاری از موارد، این مجموعه متن‌ها با دقت برای سفارش دهنده‌ای آماده می‌شوند، یا شاید توسط محقق‌ی برای استفاده شخصی باشند.

در مقابل، نظر دیگری مطرح است مبنی بر این که مجموعه‌ها کتاب‌هایی معمولی‌اند که گاه در موضوعات خاص، مشخصاً توسط فردی تحصیل کرده در خلال برخورد با متن‌های جالب، جمع‌آوری شده‌اند. در هر صورت، مجموعه‌ها در بیان این که کدام متون در دوره‌های خاصی متداول بوده و بسیار خوانده می‌شدند و اینکه این متون در پیوند با چه آثار دیگری مطالعه می‌شدند اهمیت زیادی دارند، یا به اصطلاح علمی امروزی در فهم روابط بینامتنی این آثار بسیار سودمند هستند. چاپ عکسی کامل «سفینه تبریز»^۳ توسط

۱. Shihāb al-Dīn 'Umar al-Suhrawardī.

۲. جهت مطالعه بیشتر نک: «رساله‌های نیایشی و مرتبط با علوم غریبه در مکتب اشراقی سهروردی»، جان والبریج، ترجمه سعید انواری، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۵۱، تابستان ۱۳۹۸ (م).

۳. عنوان مجموعه‌ای خطی است که در سال‌های ۷۲۱ تا ۷۲۳ قمری توسط «ابوالمجد تبریزی» در تبریز گردآوری و کتابت شده است. این کتاب نسخه منحصراً فردی است که در آن بیش از ۲۰۰ رساله در موضوعات مختلف علمی از جمله ریاضیات، هیئت، موسیقی، طب، فلسفه، ادبیات، عرفان، تاریخ و جغرافیا به صورت جنگ‌گردآوری شده است.

نصرالله پورجوادی و مقدمه او بر این متن و دانش حاصل از انتشار آن، نشان می‌دهد که با این دست‌نوشته‌ها چه می‌توان کرد.

نسخه‌های خطی اشراقی - سلطنتی عثمانی

در نهایت، با ذکر نسخه‌های خطی سلطنتی عثمانی از آثار سهروردی و مفسران اولیه او، به‌ویژه نسخه‌هایی که برای سلطان محمد دوم، فاتح قسطنطنیه آماده شده بود، فصل را به پایان می‌رسانم. این نسخه‌ها عبارتند از: (داماد ابراهیم پاشا، ۸۱۹)، (نورعثمانیه، ۲۶۵۳)، (احمد ثالث، ۳۲۶۷)، (احمد ثالث، ۳۱۸۳)

دیگر نسخه‌های خطی را می‌توان با توجه به تاریخ، کیفیت خوش‌نویسی و موقعیت مکانی آن نسبت به کتابخانه سلطنتی، به این مجموعه افزود. این دست‌نویس‌ها شامل تمام آثار مهم اشراقی، از جمله آثار ابن کمّونه و آثار مفقود سهروردی هستند. این مطلب باید هرگونه تصویر از عثمانی‌ها به عنوان سنی‌های بنیادگرا را بزدايد. به‌علاوه، ممکن است پرسیم که اهمیت این آثار برای ایدئولوژی و تعریف حکومت عثمانی از خود چه بوده است؟

نتیجه‌گیری: درباره استفاده نادرست از نسخه‌های خطی فلسفه اسلامی

نکته اول این که هیچ بهانه‌ای برای انتخاب‌های سهل‌انگارانه نسخه‌های خطی در تولید نسخه‌های چاپی انتقادی وجود ندارد. کتابخانه‌های نسخه‌های خطی، غنی و با کیفیت بالا هستند و برای متون فلسفی در بیشتر موارد به‌خوبی سازماندهی شده‌اند و با قرار گرفتن محتوای آنها به صورت آنلاین به‌طور فزاینده‌ای در دسترس‌اند. کتابخانه‌های خطی ترکی عثمانی (به‌خوبی حفظ شده و قدمت آن‌ها به قرن‌ها پیش بازمی‌گردد. بخش بزرگی از مجموعه‌های این کتابخانه‌ها اکنون به صورت آنلاین در دسترس است. کیفیت فهرست‌نویسی‌ها متفاوت است؛ اگرچه برخی از مجموعه‌ها مانند کتابخانه کوپرولو^۱ فهرست‌نویسی فوق‌العاده‌ای دارند. عمده مجموعه‌های ایرانی به‌طور استثنایی فهرست‌نویسی

مرکز نشر دانشگاهی در سال ۱۳۸۱ شمسی این کتاب را از روی نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران به صورت عکسی (فاکسیمیل) چاپ و منتشر کرد.

شده‌اند که حاصل سنت حدوداً یک قرن کتاب‌شناسان دانشمند نسخه‌های خطی است. امید است که روابط بهتر ایران و ایالات متحده باعث شود که این مجموعه‌ها در دسترس دانشمندان غربی قرار گیرد. البته وب‌سایت‌های فعال در این موضوع، مدت‌هاست که این مجموعه‌های ارزشمند را در دسترس عموم محققان و علاقه‌مندان قرار داده‌اند.

با توجه به وجود نسخه‌های خطی بسیار اولیه در مجموعه‌های قابل دسترس، ویراستاران باید نسخه‌های مورد استفاده در نسخه‌های چاپی را با فکر و دقت برگزینند. نکته دیگر این است که ضبط و ثبت نسخه‌های خطی، اسنادی تاریخی و ارزشمند از نحوه اقبال به آثار، مؤلفان و اندیشه‌های خاص ارائه می‌دهد. نبود دست‌نوشته‌ها، کمبود نسخه‌های خطی متعلق به اواخر قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم هجری و در مقابل، انبوه نسخه‌ها، شروح و اقتباس‌های اندیشه اشراقی در صد سال پس از آن، برای درک فرایند اقبال به فلسفه اشراق، نقشی حیاتی دارد.

در نهایت، همان‌طور که نصرالله پورجوادی و همکارانش نشان داده‌اند، مجموعه‌ها در مستندسازی حدود فکری زمان‌ها و مکان‌های خاص نقش دارند. زمان آن فرا رسیده است که نوع نگاهمان به نسخه‌های خطی را به‌عنوان منابعی با ارزش متفاوت برای متون خاص، عوض کنیم. این نسخه‌ها به‌خودی‌خود اسنادی تاریخی با داستان‌های غنی برای گفتن هستند.

منابع

- Cottrell, Emily. "Šams al-Dīn al-Šāhrazūrī et les manuscrits de 'La promenade des âmes et le jardin des réjouissances: Histoire des philosophes' (*Nuzhat al-arwāḥ wa-rawḍat al-afrah fī ta'arūf al-ḥukamā*).³" *Bulletin d'études orientales* 56 (2006). Pp. 225-60, 370-371.
- Dirāyatī, Muṣṭafā. *Fankhā: Fihristagān-i nuskhahā-yi khaṭṭī-i Īrān*. Tehran: Sāzmān-i Asnād va Kitābkhāna-i Millī-i Jumhūrī-i Islāmī-i Īrān, 1390/2011. .
- Fenton, Paul B. *A Handlist of Judeo-Arabic Manuscripts in Leningrad. A Tentative Handlist of Judeo-Arabic Manuscripts in the Firkovic Collections* (= *יד-יבנת תמישר דרגנילב תידוהי-תברעב*). Jerusalem: Ben-Zvi Institute, 1991.
- Ḥāṣṣi, Muḥammad-'Alī. *Fihrist-i nuskhahā-yi 'aksī-i kitābkhāna-i 'umūmī-i Ḥaḍrat-i Āyat Allāh al- Uzma Mar'ashī Najafī*. Qom: Kitābkhānih-yi Mar'ashī, 1369/1990. Vol. 1.
- Itiṣāmī, Yūsuf. *Fihrist-i kitābkhāna-i Majlis-i Shūrā-yi Millī*. Vol. 2. Tehran: Kitābkhāna-i Majlis-i Shūrā-yi Millī, 1311/1932.

Ishkavarī, Šādiq Ḥusaynī. *Fihrist-i kitābkhāna-i Majlis-i Shūrā-yi Islāmī, Kutub-i khaṭṭī*.

Tehran: Majlis-i Shūrā-yi Islāmī, 1311/1933-. Vol. 41.

Ishkavarī, SAYYID Ja'far Ḥusaynī, and Sayyid Šādiq Ḥusaynī Ishkavarī. *Fihrist-i nuskhahā-yi 'aksī-i Markaz-i Iḥyā'-i Mīrāth-i Islāmī*. Qum: Majma'-i Dhakhā'ir-i Islāmī, 1377/1998. Vol. 1.

Karatay, Fehmi Edhem. *Topkap Saray Müzesi Kü tü phanesi Arapça Yazmalar Kataloğu*.

Istanbul: Topkap Saray Müzesi, 1966. Vol. 3.

Levi della Vida, Giorgio. *Elenco dei manoscritti arabi islamici della Biblioteca Vaticana. Vaticani, Barberiniani, Borgia, Rossiani*. Studi e testi. Vatican City: Biblioteca Apostolica Vaticana, 1935.

Lewin, Bernhard, Oscar Löfgren, and Mikael Persenius, eds. *Catalogue of the Arabic Manuscripts in the Hellmut Ritter Microfilm Collection of the Uppsala University Library*. Acta Bibliothecae R. Universitatis Upsaliensis. Uppsala: Acta Universitatis Upsaliensis, 1992.

Lory, P. "al-Shahrazūrī." *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed.

Manisa İl Halk Kü tü phanesi Tespit Fişleri. n.p: n.pub, 1995.

Mascitelli, Daniele. "L'identità di Šams al-Dīn Šahrazūrī filosofo 'Išraqī': Un caso ap-erto." *Rivista degli studi orientali* 69.1-2 (1995). Pp. 219-227.

Pourjavady, Nasrollah. "Irfān-i aṣīl-i Īrānī dar 'Safīna-i Tabriz.'" *Nāma-i Bahāristān* (Fall/ Winter 1379/2000). Reprinted in idem. *Īrfān va ishrāq*. Pp. 211-23.

Pourjavady, Nasrollah. "Mas'ala-i intisāb-i 'Risālat al-abrāj' bi-Shaykh-i Ishraq." In *Īrfān va ishrāq. Maqālahā va naqdhā*. Markaz-i Nashr-i Dānishgāhī 1030, Falsafa 40, Īrfān 3; Tehran: Markaz-i Nashr-i Dānishgāhī, 1380/2001, 95-113.

Pourjavady, Nasrollah. *Lughat-i mūrān*. Tehran: Mu'assasa-i Pizhūhishī-i Ḥikmat va Falsafa-i Īrān; Berlin: Mu'assasa-i Muṭāla'āt-i Islāmī-i Dānishgāh-i Āzād-i Birlīn, 1386/2007.

Pourjavady, Reza, and Sabine Schmidtk. "Quṭb al-Dīn al-Shīrāzī's (d. 710/1311) *Durrat al-Tāj* and Its Sources. (Studies on Quṭb al-Dīn al-Shīrāzī I)." *Journal Asiatique* 292 (2004). Pp. 309-28.

Pourjavady, Reza, and Sabine Schmidtk. *A Jewish Philosopher of Baghdad: Izz al-Dawla Ibn Kammūna (d. 683/1284) and His Writings*. Islamic Philosophy, Theology and Science: Texts and Studies 65. Leiden: E. J. Brill, 2006.

Ritter, Helmut. "Philologika ix: Die vier Suhrawardī: ihre Werke in Stambuler Handschriften." *Der Islam* 24-25 (1937-38). Pp. 270-86, 35-86.

Sayed-Gohrab, A.A, and S. McGlinn. *The Treasury of Tabriz: The Great Il-Khanid Compendium*. Amsterdam: Rozenberg; West Lafayette: Purdue University Press, 2007.

Şeşen, Ramazan. *Mukhārāt min al-makhṭūṭāt al-'arabiyya al-nādira fī maktabāt Turkīyā*. Istanbul: Waqf al-Abhāth lil-Tārīkh wa'l-Funūn wa'l-Thaqāfa al-Islāmiyya (İsār), 1997.

Şeşen, Ramazan. *Nawādir al-makhṭūṭāt al-'arabiyya fī maktabāt Turkīyā*. Beirut: Dār al-Jadīd, 1975. Vol. 2.

Şeşen, Ramazan, Cevat İzgi, and Cemil Akp nar, *Köprü lü Kü tü phanesi Yazmalar Kataloğu*. Ed. Ekmeleddin İhsanoğlu (Manuscripts Catalogue Series; Istanbul: İslam Tarih Sanat ve Kültür Araştırma Merkezi, 1406/1986). Vol. 1.

- al-Shahrazūrī, Shams al-Dīn. *al-Shajara al-ilāhiyya*. Ed. M. Necip Görgü n. 3 vols. 1st ed. Istanbul: Elif, 2004; 2nd ed, [actually a reprint]. Beirut: al-Şādir, Istanbul: Irşad, 1428/2007.
- al-Shahrazūrī, Shams al-Dīn. *al-Shajara al-ilāhiyya*. Ed. Najaf-Qulī Ḥabībī. 3 vols. Tehran: Mu'assasa-i Pizhūhishī-i Hikmat wa-Falsafa-i Īrān [Iranian Institute of Philosophy], 1383-85/2004-06.
- al-Shahrazūrī, Shams al-Dīn. *Nuzhat al-arwāḥ wa-rawḍat al-afrāḥ*. Ed. S. Khurshīd Aḥmad. 2 vols.; Hyderabad, Deccan: Dā'irat al-Ma'arif al-Uthmāniyya, 1396/1976. al-Shahrazūrī, Shams al-Dīn. *Nuzhat al-arwāḥ wa-rawḍat al-afrāḥ*. Ed. 'Abd al-Karīm Abū Shuwayrib. [Tripoli, Libya]: Jam'iyyat al-Da'wa al-Islāmiyya al-'Ālamiyya, 1398/1978; reprinted Paris: Dar Byblion, 2007.
- al-Shahrazūrī, Shams al-Dīn. *Nuzhat al-arwāḥ wa-rawḍat al-afrāḥ*. Ed. Muḥammad 'Alī Abū Rayyān. 1st ed.; Alexandria: Dār al-Ma'rifa al-Jāmi'a, 1414/1988.
- al-Suhrawardī, Shihāb al-Dīn. *al-Mu'allafāt al-falsafiyya wa-l-ṣūfiyya*. Ed. Najafqulī Ḥabībī. Beirut : Manshūrāt al-Jamal, 2014.
- al-Suhrawardī, Shihāb al-Dīn. *Oeuvres philosophiques et mystiques/Majmū'a-i Muṣannafāt-i Shaykh-i Ishrāq* (Bibliothèque Iranienne N.S. 2. 2 vols. Paris: Adrien Maisonneuve, and Tehran: Académie Impériale Iranienne de Philosophie, 1976.
- al-Suhrawardī, Shihāb al-Dīn. *The Philosophy of Illumination*. Ed. and trans. John Walbridge and Hossein Ziai. Islamic Translation Series. Provo, Utah: Brigham Young University Press, 1999.
- Tabrizī, Abū'l-Majd Muḥammad b. Ma'sūd b. Muẓaffar. *Saffna-i Tabriz*. Ed. 'Abd al-Ḥusayn Ḥā'irī and Nasrollah Poujavady. Tehran: Markaz-i Nashr-i Dānishgāhī, 1381/2003.
- Tabrizī, Maqṣūd-'Alī. *Nuzhat al-arwāḥ wa-rawḍat al-afrāḥ*. Ed. Muḥammad-Taqī Dānish-Pazhūh and Muḥammad-Surūr Mawlā'ī. Tehran: Intishārāt-i Ilmī va Farhangī, 1365/1986.
- Voorhoeve, P. *Handlist of Arabic Manuscripts*. 2nd enlarged ed. Bibliotheca Universitatis Leidensis: Codices Manuscripti. The Hague: Leiden University Press, 1980.
- Walbridge, John. "The Devotional and Occult Works of Suhrawardī the Illuminationist," *Ishraq* 2 (2011), pp. 80-97. <https://iphraas.ru/uplfile/smironov/ishraq/2/9walbri.pdf>.
- Walbridge, John. *The Science of Mystic Lights: Qutb al-Dīn Shirāzī and the Illuminationist Tradition in Islamic Philosophy*. (Harvard Middle Eastern Monographs 26. Cambridge, Mass.: Centre for Middle Eastern Studies, 1992.
- Walbridge, John. "Suhrawardī's (d. 1191) *Intimations of the Tablet and the Throne*: The Relationship of Illuminationism and Peripatetic Philosophy." In Sabine Schmidtke and Khalid El-Rouayheb, eds. *The Oxford Handbook of Islamic Philosophy*. Oxford: Oxford University Press, 2016. Pp. 255-77.
- Witkam, Jan Just. *Inventory of the Oriental Manuscripts of the Library of the University of Leiden*. Leiden: Ter Lugt Press, 2007. Vol. 3.